



شک و تردید در اعتقادات

کلیدواژه: [توحید](#)، [شرک](#)، [شک](#)، [تردید](#).

پرسش: خدا کیست؟ چرا من خدا نشدم؟ چرا من باید همیشه و تا ابد ضعیف‌تر و پایین‌تر و کم‌علم‌تر از خدا باشم؟ و...

پاسخ: شک و تردید در اعتقادات از مرض‌های روحی است؛ و سلامت روحی و جسمی، فرد و جامعه را در معرض خطر می‌اندازد؛ بنابراین باید با دقت معالجه گردد. البته گاهی شک و تردید در اعتقادات نشانه آغاز بلوغ عقلی و فکری است؛ در این صورت درمان آسان‌تر است و نباید از آن هراس و واهمه داشت.

فهرست مندرجات

- ۱- پرسش
- ۲- پاسخ اجمالی
- ۳- پاسخ تفصیلی
- ۲.۱ - اقسام شک
- ۳.۱.۱ - شک دائمی
- ۳.۱.۲ - شک ابتدایی
- ۳.۲ - نکته
- ۳.۲.۱ - روایت از پیامبر
- ۴ - خدا کیست
- ۵ - خدا نشدن انسان
- ۵.۱ - مطلق‌گرایی انسان
- ۵.۱.۱ - کبر و غرور
- ۵.۱.۲ - رسیدن به حقیقت مطلق
- ۶ - یانویس
- ۷ - منبع

پرسش

بنده مدت هشت ماه است، دچار یک گرفتاری روحی- روانی و اعتقادی شدم. بنده قبل از این مدت، آدمی بسیار مذهبی و معتقد به خدا بودم، ولی متأسفانه حدود هشت ماه پیش سؤالاتی در ذهن من جرقه زد که اکنون زندگی را برایم [جهنم](#) نموده و دارد مرا به [جنون](#) و دیوانگی و افسردگی شدید و [خودکشی](#) می‌کشاند. سؤالاتی از قبیل خدا کیست؟ چرا من خدا نشدم؟ چرا من باید همیشه و تا ابد ضعیف‌تر و پایین‌تر و کم‌علم‌تر از خدا باشم، حتی پس از [مرگ](#) و در جهان ابدی آخرت هم من باید برای همیشه گوش به فرمان خدا باشم؟ چرا من از خودم استقلال و آزادی مطلق ندارم و حتی بلند شدم، نشستم، خوابیدم، خوردم و همه و همه کارهایم به اراده خداست؟ کمک کنید. از شما التماس می‌کنم اگر دعایی، آیه‌ای و یا هر چیز دیگری می‌دانید که [معجزه](#) کند و این افکار شیطانی را از من دور کند و از یادم ببرد و مرا به همان عقیده قبلی‌ام برگرداند، به من اطلاع دهید؛ چون با فکر نکردن به این سؤالات نمی‌شود به حالت روحی و روانی و اعتقادی قبلی‌ام برگردم. باید معجزه شود از خدا هم التماس کرده‌ام ولی نمی‌شود.

پاسخ اجمالی

شک و تردید در اعتقادات از مرض‌های روحی است؛ و سلامت [روحی](#) و جسمی، فرد و جامعه را در معرض خطر می‌اندازد؛ بنابراین باید با دقت معالجه گردد. البته گاهی شک و تردید در اعتقادات نشانه آغاز بلوغ عقلی و فکری است؛ در این صورت درمان آسان‌تر است و نباید از آن هراس و واهمه داشت. نکته مهم قابل تذکر این است که احساس نگرانی از پدید آمدن حالت شک و تردید نشانه خوبی از سلامت روح است، بلکه پراساس روایات این احساس نگرانی علامت [ایمان](#) خالص شخص است. اما این پرسش که خدا کیست؟ به نظر می‌رسد همه انسان‌ها تصویری از خداوند یعنی موجود عالم و توانای مطلق و بی‌نهایت در ذهن دارند. به نظر می‌رسد منشا این پرسش که چرا من خدا نشدم و چرا تا ابد همیشه ضعیف‌تر و پایین‌تر هستم، همان حس خداجویی انسان و فطرت مطلق‌گرایی انسان است که اتفاقاً در متن [دین](#) مبین اسلام نیز به آن توجه شده است و در احادیث قدسی آمده که انسان از طریق بندگی می‌تواند متصف به اوصاف الهی شود.

در پاسخ به این پرسش چند مطلب را باید متذکر شویم:

← اقسام شک

شک و تردید در اعتقادات دو گونه است. یکی ابتدایی و موقت که زمینه **یقین** است؛ دوم شک دائمی و همیشگی.

← شک دائمی

شک‌های دائمی از مرض‌های روحی است و سلامت روحی و جسمی، فرد و جامعه را در معرض خطر می‌اندازد. بنابراین، باید با دقت معالجه گردد. توضیح این که همان گونه یقین و علم باعث آرامش روح و موجب تکامل انسان است؛ در مقابل شک و تردید موجب اضطراب و سلب آرامش و مانع حرکت و تکامل است. به همین جهت در اسلام شک با شرک برابری می‌کند. "عَنْ سُقَيَانَ بْنِ عَيَّيْتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَهُوَ يَقُولُ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ"

[۱] کلینی، **مجد بن یعقوب**، کافی، ج ۲، ص ۲۹.

چنان که فلیسوفان اسلامی نیز رد شکاکیت را در راس کارهای فلسفی و علمی خود قرار می‌دهند و با ابزار فکر و اندیشه به مبارزه با این بیماری می‌پردازند تا جامعه را از این خطر نجات دهند.

[۲] حسن زاده آملی، حسن، معرفت نفس، ج ۱، ص ۵ - ۱۲، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ هـ ش، بی جا.

← شک ابتدایی

اما شک و تردید ابتدایی که زمینه یقین است مذموم نیست، بلکه نشانه آغاز بلوغ عقلی و فکری است. توضیح این که انسان همان گونه که از نظر جسمی دارای بلوغ است و معمولاً در مردان در حدود ۱۵ سالگی بلوغ جسمی او کامل می‌شود، از نظر فکری و عقلی نیز دارای بلوغ است که از زمان بلوغ جسمانی آغاز و تقریباً در سن چهل سالگی کامل می‌شود. **ملاصدرا** معتقد است در انسان ابتدا ویژگی‌های مادی و جسمی پدید می‌آیند و تقویت می‌شوند، اما ویژگی‌های روحی و عقلی پس از تقویت و تکمیل ویژگی‌های جسمی پدید می‌آیند و تقویت می‌گردند. (اول صفت که در نفس آدمی حادث می‌شود و سر بر می‌آورد صفت چهارپایگی است که در کودک، شهوت و شکمبارگی غلبه دارد. آن گاه صفت درندگی که باعث غلبه، دشمنی و مناقشه است به وجود می‌آید و بعد از آن صفت شیطنانی پیدا می‌شود که ابتداء مکر و نیرنگ در او غلبه می‌یابد. و بعد از اینها صفت عقل که ظاهر کننده نور ایمان و از حزب الله تبارک و تعالی و لشکر فرشتگان است در او خلق می‌شود. نیروی عقل از ابتدای بلوغ شروع به رشد می‌کند و در چهل سالگی به حد کمال می‌رسد، اما لشکر شیاطین قبل از بلوغ در قلب جای می‌گیرند و بر او مسلط می‌شوند و نفس با آنها الفت می‌گیرد و به تبعیت آنها در شهوت، آزاد و رها است. اما از زمان بلوغ که لشکر عقل در قلب شروع به رشد می‌کند، جنگ و مبارزه در میدان قلب شروع می‌شود، پس اگر عقل ضعیف باشد، شیطان بر او مسلط می‌شود.)

[۳] شیرازی، **مجد**، حکمت متعالیه، ج ۹، ص ۹۲.

(و این شخص در نهایت از **لشکر شیطان** خواهد بود و در **قیامت** با آنها محشور خواهد شد و اگر عقل به واسطه نور علم و ایمان قوی گردد همه قوا را در تحت تسلط خود در می‌آورد و شخص در ردیف ملائکه و با آنها محشور خواهد شد.) به نظر می‌رسد یکی از دلایلی که بسیاری از جوانان در سن بلوغ جسمی دچار شک و تردید در مسائل اعتقادی می‌شوند، همین نکته است؛ یعنی در سن بلوغ، عقل آغاز به فعالیت می‌کند، اما آنچه تا به حال بیشتر به آن انس داشته مادی بوده است و نسبت به مسائل ماورای مادی یا انس نداشته یا نمی‌توانسته به عمق آن پی ببرد. زمان بلوغ که آغاز حرکت **تکاملی عقل** است، می‌خواهد به عمق اعتقادات و باورهای خود برسد و حقیقت آن را درک کند، قهراً با سؤالات متعددی روبرو خواهد شد. البته این بدان معنا نیست که این نوع شک مریضی نیست و نباید درمان شود، بلکه به این معنا است که نباید از آن هراس و واهمه داشت و باید با دقت و بدون نگرانی به درمان آن پرداخت. در هر صورت به نظر می‌رسد این نوع شک مذموم نیست، بلکه اگر درست مدیریت شود زمینه خوبی برای رسیدن به **یقین** است. بهترین ارتباط داشتن با مربیان آگاه و دلسوز و دانشمندان دینی است.

← نکته

نکته مهم قابل تذکر این است که احساس نگرانی از پدید آمدن حالت شک و تردید نشانه خوبی از سلامت روح است، بلکه براساس روایات این احساس نگرانی علامت **ایمان خالص** شخص است.

← روایت از پیامبر

"إِنَّ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلَكْتُ فَقَالَ لَهُ أَتَاكَ الْخَبِيثُ فَقَالَ لَكَ مَنْ خَلَقَكَ فَقُلْتَ اللَّهُ فَقَالَ لَكَ اللَّهُ مَنْ خَلَقَهُ فَقَالَ إِي وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ لَكَ كَذَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَدَاكَ وَ اللَّهُ مَحْضُ الْإِيمَانِ". شخصی خدمت **پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)** رسید و گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هلاک شدم. "رسول خدا فرمود **شیطان** به سراغت آمد و به تو گفت چه کسی تو را **خلق** کرد و تو گفتی خدا، پس او گفت خدا را چه کسی خلق نمود. مرد گفت: درست است یا رسول الله. سپس پیامبر فرمود: این ایمان محض است."

[۴] کلینی، **مجد بن یعقوب**، کافی، ج ۲، ص ۴۲۵، **چاپ چهارم دار الکتب الاسلامیه**، تهران، ۱۳۶۵ هـ ش.

اما این پرسش که خدا کیست؟ به نظر می‌رسد همه انسان‌ها تصویری از خداوند یعنی موجود عالم و توانای مطلق و بی‌نهایت در ذهن دارند. [این سوال در جای خودش مفصل پاسخ داده شده.]

خدا نشدن انسان

به نظر می‌رسد منشأ این پرسش که چرا من خدا نشدم و چرا تا ابد همیشه ضعیف‌تر و پایین‌تر هستم، همان حس خداجویی انسان و فطرت مطلق‌گرایی او است و این نشان از قابلیت وجودی [انسان](#) است که انسان برخلاف موجودات دیگر از نظر قابلیت دارای محدودیت نیست.

← مطلق‌گرایی انسان

در متن دین مبین اسلام به این فطرت مطلق‌گرایی انسان توجه شده است. اولاً: مسیرهای غلط و اشتباه برای رسیدن به حقیقت مطلق بیان شد و در بیانات [ایمه](#) (علیه‌السلام) بیان شد که اولین مانع برای تکامل انسان، [تکبر](#) و [غرور](#) در برابر [حق](#) است.

← کبر و غرور

«عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ فِي السَّمَاءِ مَلَكَئِينَ مُوَكَّلَيْنِ بِالْعِبَادِ فَمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَاهُ وَ مَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَاهُ».

[۱۵] کلینی، [مجد بن یعقوب](#)، کافی، ج ۷، ص ۱۲۲.

[۱۶] مجلسی، [مجد باقر](#)، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۴۲۹، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.

«أَنَّ لِقَمَانَ الْخَكِيمِ قَالَ: ... يَا بَنِيَّ وَبَلِّ لِمَنْ تَجَبَّرَ وَ تَكَبَّرَ كَيْفَ يَتَعَطَّمُ مَنْ خُلِقَ مِنْ طِينٍ وَ إِلَى طِينٍ يَعُودُ ثُمَّ لَا يَدْرِي إِلَى مَا يَصِيرُ إِلَى الْجَنَّةِ فَقَدْ فَازَ أَوْ إِلَى النَّارِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا وَ خَابَ وَ بُرِيَ كَيْفَ يَتَجَبَّرُ مَنْ قَدْ حَزَى فِي مَجْرَى الْبَوْلِ مَرَّتَيْنِ».

[۱۷] مجلسی، [مجد باقر](#)، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۹، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.

← رسیدن به حقیقت مطلق

ثانیاً: راه صحیح رسیدن به حقیقت مطلق نیز نشان داده شد؛ چنان که در [احادیث قدسی](#) آمده که انسان از طریق [بندگی](#) می‌تواند متصف به اوصاف الهی شود. «الدَّيْلِمِيُّ فِي إِشْرَادِ الْقُلُوبِ، رَوَى أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي بَعْضِ كُتُبِهِ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّا حَيٌّ لَا أَمُوتُ أَطْعِمُنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ حَتَّىٰ أَجْعَلَكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّا أَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ أَطْعِمُنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ أَجْعَلَكَ تَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ».

[۱۸] نوری، [حسین](#)، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۹، مؤسسه آل‌البت، قم، ۱۴۰۸ هـ ق.

به بیان دیگر ارزش ذاتی انسان به اندازه‌ای است که هیچ چیزی جز ارتباط با خداوند صلاحیت پر کردن خلا وجودی انسان را ندارد، فقط با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. "الذِّينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ"،

[۱۹] [رعد/سوره ۱۳](#)، آیه ۲۸.

از این جهت [امام علی](#) (علیه‌السلام) مقتدای عارفان در مناجاتش با [خداوند](#) عرض می‌کند: "این عزت و سر بلندی برای من بس است که من عبد و بنده تو هستم و این مباهات و افتخار مرا پسینده است که تو پروردگار من هستی؛ تو آن گونه هستی من دوست دارم، مرا آن گونه بدار که خودت دوست داری". "إلهی کفی پی عزاً أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَىٰ لِي رِبًّا أَنْتَ كَمَا أَحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ".

[۲۰] مجلسی، [مجد باقر](#)، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۲.

ما ز بالاایم و بالا می‌رویم ●●● ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
ما از این جا و از آنجا نیستیم ●●● ما ز بی جاییم و بی جا می‌رویم.
خواننده‌ای انا الیه راجعون ●●● تا بدانی ما کجاها می‌رویم.
[۲۱] بلخی، جلال‌الدین مجد، مثنوی مولوی.

پانویس

۱. ↑ کلینی، [مجد بن یعقوب](#)، کافی، ج ۲، ص ۱۲۹.
۲. ↑ حسن زاده آملی، حسن، معرفت نفس، ج ۱، ص ۵ - ۱۲، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲ هـ ش، بی جا.
۳. ↑ شیرازی، [مجد](#)، حکمت متعالیه، ج ۹، ص ۹۲.
۴. ↑ کلینی، [مجد بن یعقوب](#)، کافی، ج ۲، ص ۴۲۵، چاپ چهارم دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ ش.
۵. ↑ کلینی، [مجد بن یعقوب](#)، کافی، ج ۷، ص ۱۲۲.
۶. ↑ مجلسی، [مجد باقر](#)، بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۴۲۹، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.
۷. ↑ مجلسی، [مجد باقر](#)، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴۲۹، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.
۸. ↑ نوری، [حسین](#)، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۵۹، مؤسسه آل‌البت، قم، ۱۴۰۸ هـ ق.
۹. ↑ [رعد/سوره ۱۳](#)، آیه ۲۸.
۱۰. ↑ مجلسی، [مجد باقر](#)، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۰۲.

[بایگاه اسلام کوئست، برگرفته از مقاله «شک و تردید در اعتقادات»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۵/۳/۲۲.](#)